

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هفتاد و هشتم

تابستان ۱۳۹۸

نگاهداری یا از میان بردن آثار تاریخی با موضوعیت مجسمه و نقاشی از منظر

فقهی و حقوقی

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۷

۱ اردوان ارژنگ

۲ سید احمد میرخلیلی

۳ مهدی بیژنی

اهمیت آثار تاریخی و باستانی در بعد هویت ملی و هویت واحد بشری از یک سو و تخریب گسترده آنها از سوی گروه‌های افراطی مذهبی از سوی دیگر، مسئله نگاهداری از این آثار را در کانون توجه نهادهای جهان‌گردی و میراث فرهنگی، مانند یونسکو قرار داده است. مقاله حاضر می‌کوشد این موضوع را با تکیه بر آثار دارای مجسمه یا نقاشی و با استفاده از روش سندپژوهی از دیدگاه قرآن، فقه امامیه و حقوق کیفری ایران بررسی کند. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که بر اساس آیات قرآن کریم، نگاهداری این آثار و جلوگیری از تخریب آنها برای عبرت‌آموزی از سرانجام گذشتگان

۱. الهیات، دکتری فقه و حقوق، دانشیار دانشگاه آیت الله حائری میبد یزد (arzhang@haeri.ac.ir).

۲. الهیات، دکتری فقه و حقوق، استادیار دانشگاه آیت الله حائری میبد یزد (dmirkhalili@gmail.com).

۳. الهیات، دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه آیت الله حائری میبد یزد (Mahdi.bijani@gmail.com).

ضروری است. همچنین در دیدگاه فقه امامیه، تخریب این آثار جایز نیست و مشمول حکم حرمت است و قانون‌گذار در مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی برای تخریب‌کنندگان این آثار مجازات تعیین کرده است.

کلیدواژگان: آثار تاریخی، آثار باستانی، میراث فرهنگی، فقه مجسمه‌سازی، فقه نقاشی.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

تخریب آثار تاریخی و فرهنگی ملی از موضوعات قدیمی و چالش برانگیز در تاریخ کشورمان از زمان گذشته بوده است؛ زیرا حفظ این آثار تاریخی و فرهنگی دارای منافع اقتصادی گردش‌گری و توریستی، هویتی، فرهنگی، اعتبار و پیشینه تاریخی در سطح بین‌المللی و میراث جهانی برای کشورمان است.

جایگاه مجسمه‌سازی و نقاشی در ابواب فقهی و آرای علما درباره احکام پیرامون آن، کم و بیش بحث‌های پراکنده‌ای درباره ساختن، نگهداری و از بین بردن این آثار در فقه امامیه از منظر ایجاد شرک و بت پرستی در بین مسلمانان ایجاد کرده است. با توجه به این که اگر مجسمه‌ها و نقاشی‌ها دارای قدمت تاریخی باشند، بخشی از آثار تاریخی ملی به حساب می‌آیند، این موضوع دارای اهمیت فراوانی است.

از سوی دیگر، جرایمی که علیه میراث فرهنگی در قانون مجازات اسلامی بیان شده است در ردیف جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی هستند و از تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به حساب می‌آیند و در مواد ۵۵۸ الی ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ حکم آنها بیان شده است.^۱

۱. ماده ۵۵۸. هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات تأسیسات، اشیاء و لوازم و

این جرایم عبارت‌اند از: تخریب، تزلزل بنیان، حفاری، کاوش، عدم تحویل اموال مکشوفه، خرید و فروش، تجاوز، تعمیر، تجدید، توسعه، سرقت، خرید مال مسروقه، اخفای آن، قاچاق، انتقال و تغییر روش استفاده.^۱

هر ماده قانونی دارای سه رکن قانونی، مادی و معنوی است. در این مقاله رکن قانونی و مادی قوانین بررسی خواهد شد و با توجه به توضیحات بالا سعی می‌نماییم، مبانی حقوق کیفری در قانون مجازات جدید اسلامی را در کنار مبانی فقهی تخریب آثار تاریخی و فرهنگی بررسی کنیم.

۱-۲. سابقه پژوهش

تحقیق و پژوهش با رویکرد حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی قدمت چندانی ندارد. با گذر از مباحث فقهی مجسمه سازی که فقها از ادوار نخستین فقه به آن توجه

خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۶۰. هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

۱. ماده ۵۵۸. هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات تاسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۶۰. هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارت وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود.

می کردند، باید گفت که در دوره اخیر و پس از اهمیت یافتن آثار فرهنگی و تاریخی که به نوعی هویت تاریخی ملت‌ها به شمار می‌روند، پژوهش‌هایی در این حوزه انجام شده است.

در این حوزه می‌توان به کتابی اشاره کرد که پژوهشکده فقه و حقوق در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان *میراث فرهنگی؛ بررسی فقهی و حقوقی*^۱ منتشر کرده است. همچنین، مقاله‌ای در فصلنامه پژوهش‌های تاریخی با عنوان *مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی*^۲ نوشته حسین عزیزی به چاپ رسیده است.

تحقیقات دانشگاهی در این زمینه، سهمی مهم دارند و پایان‌نامه‌ای با عنوان *حمایت کیفری از آثار تاریخی فرهنگی در حقوق ایران*^۳ در این باره نوشته شده است. با این وجود هنوز در اول راه پژوهش‌های عمیق فقهی و حقوقی در این حوزه هستیم و مقاله حاضر به دنبال طرح نگاهی کاربردی‌تر و دقیق‌تری درباره موضوع جلوگیری از تخریب این آثار از منظر فقهی و حقوقی است.

۱-۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم افزارهای حقوقی و فقهی به تجزیه و تحلیل مطالب و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۱. فتاحی، میراث فرهنگی: بررسی فقهی - حقوقی، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.

۲. حسین عزیزی، «مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی»، پژوهش‌های تاریخی، تابستان ۱۳۹۶، دوره ۹، ش ۲، ص ۱۸۱-۲۰۰.

۳. طباطبایی، حمایت کیفری از آثار تاریخی فرهنگی در حقوق ایران، استاد راهنما دکتر سید محمود مجیدی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.

۲. تخریب آثار تاریخی و باستانی بر اساس مبانی فقهی

۱-۲. طرح مسئله در بعد فقهی

مجسمه سازی و کشیدن نقاشی مباحثی فقهی هستند که در حوزه آثار تاریخی و باستانی درباره آنها بحث می‌شود. با توجه به این که در کاوش‌های باستان‌شناسی، تعداد زیادی از این نوع آثار در محوطه‌های تاریخی و باستانی پیدا می‌شود، نمی‌توان به راحتی حکم به تخریب و حلیت از بین بردن آنها به جرم رواج شرک و بت پرستی صادر کرد.

بنابراین در این جا، هدف از مطرح کردن این بحث، رسیدن به مبانی حرمت مجسمه سازی و کشیدن نقاشی و بررسی پیشینه فقهی صدور این حکم به وسیله فقها است. با فهمیدن مبانی احکام مربوط به مجسمه سازی و کشیدن نقاشی می‌توان درباره حکم تخریب یا حفظ اشیا تاریخی و فرهنگی کشف شده در محوطه‌های تاریخی و باستانی ابراز عقیده کرد و اثبات نمود که با خروج موضوعی شرک و رواج بت پرستی از این اشیا می‌توان حکم عدم تخریب آنها را صادر کرد.

نقاشی و مجسمه سازی از هنرهایی هستند که از صدر اسلام با دو عنوان صورت‌گری و تمثال سازی به تفصیل در فقه اسلامی درباره آنها بحث شده است. با توجه به این که واژه‌های صورت و تمثال در آیات، اخبار و عبارات فقها به کار رفته اند، این دو واژه نیازمند مفهوم شناسی هستند.

۲-۲. تمثال در لغت

فیروز آبادی (د. ۸۱۷ ه. ق) در قاموس اللغه در این باره در این باره می‌نویسد:
تمثال به کسر تا؛ یعنی صورت، مثله له تمثیلاً؛ یعنی او را برای خود تصویر

کرد به شکلی که گویا با نگرستن به تمثال به خود آن چیز می‌نگرد.^۱

او درباره معنای صورت می‌نویسد:

۱. فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۶۴.

صورت با ضم صاد یعنی شکل و جمع آن صور است.^۱

خلیل در العین فی اللغة (د. ۱۷۵ ه.ق) درباره تمثال می‌نویسد:^۲
طریحی در مجمع البحرین (د. ۱۰۸۵ ه.ق) صورت را اعم از تمثال و شامل

غیرجاندار هم دانسته و تمثال مخصوص جاندار تلقی شده است.^۳

این مدعا دلیلی ندارد. البته ممکن است در برخی روایات یا عبارات فقها با توجه به قرینه خارجی، هرکدام از این دو لفظ در معنایی محدودتر یا وسیع‌تر از معنای لغوی به کار رفته باشند.

۲-۳. بررسی حکم فقهی مجسمه سازی

یکی از اموری که از مکاسب حرام در اسلام معرفی می‌شود، نقاشی و مجسمه سازی است.^۴ از آن‌جا که این مسئله از امور مورد ابتلا در زمان‌های مختلف و در عصر حاضر است، بررسی آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

۲-۳-۱. بررسی موضوع مجسمه سازی در آیات و روایات

امام باقر علیه السلام می‌گوید:

اول کسی که صورتی به شکل آدم ایجاد کرد تا به وسیله آن مردم راه گمراه

کند و از مسیر عبادت خداوند منحرف سازد، ابلیس بود.^۵

قرآن کریم در اشاره به بت‌های قوم نوح و نام آنها می‌فرماید:

و گفتند خدایان خود را رها نکنید و وُدّ، سواع، یغوث و یعوق و نسر را

۱. همان.

۲. خلیل بن اجمد، العین، ج ۸، ص ۲۲۸.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ص ۶۴۴.

۴. انصاری، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. ابن بابویه، علل الشرائع، ج ۱، ص ۳.

رها نکنید.^۱

هم‌چنین به گواهی قرآن کریم در زمان حضرت ابراهیم، مشرکان و بت پرستانی بودند که هیاکل سیاره‌های هفتگانه و خورشید را می‌پرستیدند و بت‌خانه‌هایی داشتند که آنها را در آن نگهداری می‌کردند. بت‌ها را مظهر سیاره‌ها و سیاره‌ها را مظاهر عقول مدبره می‌پنداشتند و به همین سبب مورد خشم آن حضرت قرار گرفتند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

آن‌گاه که ابراهیم به پدرش (عمویش) و قومش گفت: این تمثال‌هایی که شما عبادت می‌کنید، چیست؟ به خدا قسم که بت‌هایتان را پس از پشت کردن شما در خواهم شکست.^۲

شیخ طوسی (د. ۵۴۶۰ ه.ق) در تفسیر التبیان درباره آیه ۵۱ بقره می‌نویسد:

فقط به دلیل ساختن مجسمه گوساله جزو ظالمین به حساب نیامدند؛ زیرا ساختن مجسمه گوساله فی نفسه حرام نیست، بلکه مکروه است. آنها به خاطر پرستش گوساله بود که ظالم شدند و این همان علت اصلی از نظر شیخ طوسی در حرمت ساخت مجسمه اشیای صاحب روح است؛ یعنی نشر و اشاعه بت پرستی.^۳

۱. «وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سُوعًا وَلَا يَعْوثُ وَيُعُوقُ وَنَسْرًا» نوح/۲۳.

۲. فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ» انبیاء/۵۲، ۵۹/.

۳. «ای اتخاذتموه الها لان بنفس فعلهم لصورة العجل لایکونون ظالمین لان فعل ذلک لیس بمحظور وانما هو مکروه» طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۷۰.

مجسمه در اصطلاح فقهی با معنای عرفی آن متفاوت است. در اصطلاح فقهی هر نقشی که در صورت تابش نور، سایه ایجاد کند مجسمه نامیده می‌شود.^۱ بنابراین، هر حکمی که بر مجسمه سازی مترتب شود بر برجسته کاری مترتب است.

یکی از موارد دعوت قرآن به تدبیر و توجه به گذشته را می‌توان توجه به تاریخی که به وسیله خود قرآن بیان شده است، تصور نمود. از آن جا که این نوع برداشت، عمومیت داشته است و توجه به آثار تاریخی و حفاظت از آنها در جوامع اسلامی از زمان‌های گذشته وجود داشته است و با ورود تفکر غربی و علم باستان شناسی و تاریخ شناسی اهمیت بیشتری به خود گرفته است.

بنابراین ضرورت دارد بر این نکته پافشاری گردد که می‌توان شواهد متعددی از قرآن مطرح نمود که رجوع به اصل این آثار منظور است. به عنوان نمونه در آیه ۹۲ سوره یونس، خداوند به سالم ماندن جسد فرعون برای عبرت گیری آیندگان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

پس امروز تو را با بدن بی جانست نجات داده در مرتفعی از ساحل دریا
می‌افکنیم تا برای کسانی که پس از تو می‌آیند نشانه‌ای (از قدرت خدا و ذلت
طاغوت‌ها) باشی و حقا که بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند.^۲

طنطاوی مصری (د. ۱۳۵۸ هـ ق) از استاد باستان شناس خود، احمد بک نجیب امین (د. ۱۹۸۰ م) نقل می‌کند که رامسس دوم (سیردستریس: ۱۲۷۹ پیش از میلاد) همان فرعون است که حضرت موسی علیه السلام را پرورش داد و فرزندش ریان معروف به منفتاح، همان

۱. رک: سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۸۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۳؛ حسینی، مفتاح
الکرامت، ج ۴، ص ۴۸؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۱۹؛ العینی، عمدة القاری، ج ۲۲، ص ۷۰؛ آبی،
جواهر الاکلیل، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. یونس / ۹۲.

فرعونی است که در دریا غرق شد و سنگ نوشته‌های موجود در موزه مصر، ادعای خدایی این فرعون و شکنجه کردن ملت مغلوب و به کارگیری و استضعاف بنی اسرائیل را نشان می‌دهند.^۱

قرآن نجات و ابقای جسد فرعون را آیه‌ای از آیات خداوند معرفی می‌کند؛ یعنی همان طور که باید آیات ملفوظ خدا را مطالعه کرد، لازم است به مطالعه و مشاهده آیات ملحوظ خداوند پرداخت و از آنها پند گرفت.

با توجه به توضیحات بالا، نجات جسد سالم و بدون هیچ گونه آسیب دیدگی فرعون مصر در طول زمان‌های طولانی، آیه‌ای برای عبرت آیندگان درباره رفتار خداوند متعال با ستمکاران است. این آیه به خوبی تأکید قرآن درباره حفظ و حراست از اشیا و آثار تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد؛ زیرا جسد فرعون در حکم یک شیء بسیار گران‌بها و ارزشمند تاریخی به حساب می‌آید که حاوی مطالب زیادی از حکومتی ظالم و طغیان‌گر بسیار قدیمی است که بنای طغیان و ستمگری را در برابر فرامین الهی و مردم زمان خویش گذاشته بود و باید در حفظ و حراست از این اثر تاریخی و فرهنگی کوشید.

هم‌چنین، در آیه ۲۱ سوره کهف آمده است که مردم برای حفظ یاد و خاطره اصحاب کهف و بزرگداشت مقام آنها در کنار غار اصحاب کهف، مسجد یا عبادتگاهی را بنا کردند. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید:

کسانی که بر کار اصحاب کهف اطلاع یافتند، گفتند حتما مسجدی بر آنان بنا

کنیم.^۲

۱. طنطاوی، تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۸۵ - ۸۶.

۲. «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمَّرِهِمْ لَنَنخِذَنَّ عَنْهُمْ مَسْجِدًا» کهف / ۲۱.

اشاره‌ای که خداوند در این آیه به محل ایجاد عبادتگاه یا مسجد می‌نماید، تأییدی بر حفظ و نگهداری غار اصحاب کهف به عنوان یک مکان مقدس و یادآور ایثار و از خودگذشتی این مردان الهی در راه خدا برای آیندگان است.

با توجه به مطالب مطرح شده در آیات قرآن کریم که در بالا برای نمونه بررسی گردیدند، شواهد متعددی از قرآن را می‌توان معرفی کرد که رجوع و توجه به اصل آثار تاریخی و باستانی مهم است. بخش عمده‌ای از این شواهد در آیاتی که با «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا؛ آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا بنگرند؟»^۱ شروع می‌شوند، قابل تمیز است.

به نظر می‌رسد، این دعوت، صورتی جز توجه به آثار فیزیکی ندارد. جمله سیرُوا فِي الْأَرْضِ، هفت مرتبه در قرآن مجید تکرار شده است.^۲ هم چنین در هفت آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

آیا نمی‌گردند؟؛ آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود؟^۳

۱. حج/۴۶؛ محمد/۱۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۳۷: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ انعام، آیه ۱۱: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ نحل، آیه ۳۶: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ نمل، آیه ۶۹: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ عنكبوت، آیه ۲۰: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ»؛ روم، آیه ۴۲: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ»؛ سبأ، آیه ۱۸: «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا».

۳. یوسف، آیه ۱۰۹: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ حج، آیه ۴۶: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا»؛ روم، آیه ۹: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ فاطر، آیه ۴۴: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ مؤمن (غافر)، آیه ۲۱: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ»؛ مؤمن (غافر)، آیه ۸۲: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ»؛ محمد آیه ۱۰: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ».

تکرار این آیات در قرآن، اهمیت سیر و سفر را نشان می‌دهد تا مردم و به‌ویژه مسلمانان در آثار گذشتگان تدبیر و تفکر نمایند و از سرانجام گناهکاران، تکذیب‌کنندگان معاد و ستمگران تاریخ آگاه شوند و از سرنوشت شوم آنها عبرت بگیرند.

باید به این نکته اشاره کرد که در ادبیات قرآنی، اهمیت دیدن آثار تاریخی گذشتگان بیشتر درباره آثاری است که متعلق به حکومت‌های فاسد و ستمگر بوده است. دیدن باقیمانده آثاری که از این حکومت‌ها به جای مانده است، سبب عبرت‌آموزی مردم از عاقبت حکومت‌های ظالم و فاسد می‌گردد اما این عبرت‌گیری، منافاتی با آثار باقیمانده از حکومت‌های صالح و درست‌کاری، مانند حکومت حضرت سلیمان ندارد؛ زیرا همه آنها روزی در اوج شکوه و عظمت بودند و دیگر خبری از آن شکوه و عظمت در میان مردمان نیست.

۲-۳-۲. دلایل حرمت ساختن مجسمه حیوان

۲-۳-۲-۱. اجماع

باید توجه داشت که اجماع محصل^۱ در این مسئله منتفی است. در کلمات گذشتگان، ادعای اجماعی در خصوص حرمت ساختن مجسمه حیوان نقل نشده است، اما برخی از متأخران، مانند محقق کرکی^۲ (د. ۵۹۴۰.ق)، صاحب جواهر^۳ (د. ۱۲۶۶.ق)، محقق اردبیلی^۴ (د. ۱۰.ق) و شیخ انصاری^۵ (د. ۱۲۸۱.ق) این ادعا را طرح می‌کنند.

۱. در اجماع محصل، فقیهی که ادعای اجماع می‌کند با جست‌وجو در سخنان و نوشته‌های فقها از گذشته تا اکنون، اتفاق و اجماع آنان را در یک مسئله تحصیل می‌نماید.
۲. محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۲، ص ۱۳۰.
۳. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۸، ص ۳۸۴.
۴. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۲، ص ۹۳.
۵. انصاری، مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۱۸۴.

این ادعا با توجه به مخالفت بزرگانی، چون شیخ طوسی^۱ (د. ۵۴۶۰ق)، طبرسی^۲ (د. ۵۴۸ق) و محمد جواد مغنیه^۳ (د. ۱۴۰۰ق) پذیرفتنی نیست. هم‌چنین، اجماع در این مسئله که روایات بسیاری به حکم آن پرداخته‌اند، اجماع مدرکی^۴ محسوب می‌شود و فاقد اعتبار است.

۲-۳-۲. روایات

مجموعه روایات در این خصوص به پنج گروه کلی تقسیم می‌شود که برخی از این گروه‌ها ممکن است به گروه‌های کوچکتر تقسیم شوند.

گروه اول: روایاتی که مجسمه سازی را هم‌آوردی و دشمنی با خدا معرفی می‌کنند و در برخی از آنها آمده است که مجسمه ساز در روز قیامت مأمور به نفخ روح در مجسمه و احیای آن می‌شود و چون قادر به این کار نخواهد بود، عذاب می‌گردد.^۵

گروه دوم: روایاتی که یا با منطوق یا با مفهوم مخالف ممکن است، دلالت بر حرمت ساخت مجسمه داشته باشند.^۶

۱. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۳. مغنیه، فلسفات اسلامیة، ص ۹۲۱.

۴. عبارت است از اتفاق علما در مسئله‌ای که در مورد آن دلیل یا اصلی وجود دارد و علم یا احتمال آن هست که اتفاق کنندگان به آن دلیل یا اصل به عنوان مدرک، استناد نموده باشند. اجماع مدرکی، فاقد اعتبار و ارزش است؛ زیرا حجیت آن بستگی به اعتبار مدرک آن دارد؛ یعنی باید به اصل مدرک و مستند حکم مراجعه کرد و در صورت اعتبار مدرک، براساس آن عمل نمود (حلی، مبادئ الوصول الی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۹۵).

۵. روایه محمد بن مروان عن الصادق عليه السلام قال سمعته يقول ثلاثة يعذبون يوم القيامة من صور صورة من الحيوان يعذب حتى ينفخ فيها (عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۰).

۶. صحیحة محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله ععنتم اثیلا لشجرو الشمس و القمر فقال لا بأسا لمیکن شیئا من الحيوان فإن ذكر الشمس و القمر قرینة علی إرادة مجرد النقش. لا بأس مالم یکن شیئا من الحيوان (عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۰).

گروه سوم: روایاتی که بر نهی از تزئین خانه‌ها با تصاویر جانداران، ناخشنودی امامان معصوم علیهم‌السلام از وجود تصویر و مجسمه در خانه‌های خود و عدم ورود فرشتگان به خانه‌ای که در آن مجسمه نگهداری می‌شود، دلالت دارد.^۱

گروه چهارم: روایاتی که دلالت دارند، امام علی علیه‌السلام (ش. ۴۰ ه.ق) از جانب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مأمور از بین بردن مجسمه‌ها، سنگ‌ها و قبور مرتفع شده بود.^۲

گروه پنجم: روایاتی که دلالت بر خروج مصوران از اسلام و اثبات شدیدترین عذاب اخروی بر آنها دارند.^۳

اکنون ضمن بررسی جداگانه روایات هریک از دسته‌های پنج گانه بالا به نقد آنها می‌پردازیم.

روایات گروه اول: روایات گروه اول به دو گروه تقسیم می‌شوند که به طور جداگانه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. روایات نفخ که به صورت مستفیض از طریق فریقین بیان شده است. اسناد این روایات ضعیف است، ولی از فراوانی آنها می‌توان به صدور برخی از آنها، علم پیدا کرد. برخی از این احادیث در ادامه معرفی می‌شود.

از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

۱. المحاسن عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن سماعة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه‌السلام قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم إن جبرئيل أتاني فقال يا محمد إن ربك يقرئك السلام - وينهى عن تزويق البيوت - قال أبو بصير قلت وما تزويق قال تصاوير التماثيل (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۶۰).

۲. حدیثنا یحیی بن یحیی وأبو بکر بن ابی شیبہ و زهیر بن حرب، قال یحیی: أخبرنا وقال الآخرون: حدثنا وکیع، عن سفیان، عن حبيب بن أبي ثابت، عن أبي وائل، عن أبي الهيثم الأزدی، قال: قال لى علی (عليه السلام): ألا أبعثك علی ما بعثنی علیه رسول الله (صلی الله علیه وآله) لا تدع تماثلاً إلا طمسته، ولا قبراً مشرفاً إلا سويته (مسلم بن حجاج، صحیح مسلم بشرح نووی، ج ۷، ص ۳۶).

۳. وقوله: إن من أشد الناس عذاباً عند الله يوم القيامة المصورون. (بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۶۸)

پیامبر خدا از تصاویر نهی کرد و فرمود: هرکس صورتی را ایجاد کند روز قیامت مکلف به نفع روح در آن خواهد شد در حالی که قادر به این کار نخواهد بود.^۱

روش استدلال این احادیث به این گونه است که ایجاد کننده تصویر در قیامت معذب خواهد بود تا زمانی که در آن روح بدمد و آن را احیا کند و چون توانایی چنین کاری را هرگز نخواهد داشت، عذاب او ابدی خواهد بود. این امر نشان دهنده عظمت گناه است. بیشتر این روایات در سند دچار ضعف هستند و به همین دلیل آیت الله خوبی (د. ۱۳۷۸.ق) پس از بیان این روایات می گوید:

ولی با وجود کثرت، این روایات از حیث سند ضعیف اند و ضعف آنها با چیزی جبران نمی شود پس شایسته مورد استناد قرار گرفتن در حکم شرعی نیستند.^۲

در سند برخی از این روایات، اصحاب اجماع وجود دارند. اگر این مبنا را بپذیریم که وجود اصحاب اجماع در سلسله سند موجب تصحیح آن خواهد بود، این روایات معتبر تلقی خواهند شد. هم چنین از فراوانی این اخبار که از طریق فریقین شیعه و سنی نقل شده اند، می توان به صدور مضمون بعضی از آنها از جانب معصوم اطمینان پیدا کرد. بنابراین برخی از بزرگان به تواتر اجمالی این اخبار را پذیرفته اند. به این معنا که علم به صدور بعضی از آنها از امامان علیهم السلام وجود دارد.^۳

هم چنین در قرآن درباره ساختن پرندگان از جنس گل به وسیله حضرت عیسی علیه السلام آمده است:

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۶۸.

۲. خوبی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۷۴.

همانا من از گل همانند شکل پرندگان را می‌آفرینم پس در آن می‌دمم پس

به اذن خداوند تبدیل به پرنده می‌شود.^۱

روشن است که خداوند به شرک و عمل هم تراز آن، اجازه نمی‌دهد. مگر این‌که بگویند این کار بدون اجازه خداوند معادل شرک است. در آیه دیگری خداوند می‌فرماید:
برای او (سلیمان) آنچه را می‌خواست از محراب‌ها و تمثال‌ها و ظروف بزرگ مانند حوض‌ها می‌ساختند.^۲

تمائیل جمع تمثال به معنای مجسمه است. شاید مراد ساخت اشیای زینتی مانند اشیای طبیعی باشد. چنان‌که در روایتی از امام صادق (ع) (ش. ۱۴۸.ق) آمده است:
مراد از تمائیل، مجسمه درختان و گیاهان است، نه انسان و حیوان.^۳

با توجه به کار بردن واژه تمائیل در آیه شریفه به وسیله خداوند متعال، اگر مطلق مجسمه سازی در حد شرک بود، چگونه حضرت سلیمان حاضر می‌شد برایش مجسمه‌های گوناگون ساخته شود؟ حتی بر فرض این‌که براساس حدیث بالا، مجسمه‌های درختان و گیاهان بوده باشند.

اشکال دیگری بر دلالت این حدیث وارد است که این حدیث در ارتباط با یک قضیه خارجی صادر شده است که ویژگی‌های آن معلوم نیست. از این رو برای اثبات حکم شرعی نمی‌توان به آن استدلال کرد.
۲. روایاتی که مجسمه سازی را دشمنی با خداوند یا تشبیه به خلقت خداوند معرفی می‌کنند.

در روایتی از عایشه در این باره آمده است که حضرت رسول ﷺ فرمود:

۱. «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» آل عمران/۴۹.

۲. «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ» سبأ/۱۳.

۳. قرشی، احسن الحدیث، ج ۸، ص ۴۲۰.

ای عایشه! شدیدترین عذاب در روز قیامت از آن کسانی است که با

[ساختن اشیائی] مثل مجسمه تشبیه به خلق خدا می‌کنند.^۱

این روایت از حیث سند ضعیف است؛ چرا که از طریق عامه نقل شده است و مناسبت حکم و موضوع اقتضا نمی‌کند که ساختن مجسمه، اگر به قصد پرستش یا ستیز و مخالفت با خداوند و به ادعای هم‌آوردی با حضرت حق نباشد، موجب بیشترین عذاب در قیامت باشد و این کار دشمنی با خداوند محسوب شود.

روایات گروه دوم: روایاتی که با منطوق یا مفهوم مخالف دلالت بر حرمت مجسمه سازی، بدون تهدید و تشدیدهای موجود در روایات گروه اول دارند، مانند روایت محمد بن مسلم که می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره تمثال درخت، خورشید و ماه پرسیدیم. آن حضرت

فرمود: تمثال غیر حیوان مانعی ندارد.^۲

این حدیث به سبب وجود شخصی مانند محمد بن مسلم (د. ۱۵۰ ه.ق) که از اصحاب اجماع است، خالی از اشکال است و مرحوم شیخ انصاری دلالت آن را در مقایسه با احادیث دیگر، آشکارتر از همه معرفی می‌کند^۳ ولی دلالت آن بر مدعی خالی از اشکال نیست. مهم‌ترین اشکال این است که مفهوم مخالف کلمه لا بأس، فیه بأس است که در اعم از حرمت به کار می‌رود؛ زیرا این عبارت به گونه‌ای شایع در خصوص مکروه استعمال شده است و در نتیجه، بدون وجود قرینه معینه، حمل آن بر حرمت وجهی ندارد. اشکال دیگر این است که مورد سؤال در روایت تماثل است و تمثال عین خارجی است، نه فعلی از افعال مکلف. علم اصول اثبات می‌کند که عین خارجی، این توانایی را

۱. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم بشرح نووی، ج ۱۴، ص ۸۸، ح ۳۹۳۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۳. انصاری، مکاسب محرمه، ج ۱، ص ۹۱.

ندارد که موضوع حکم تکلیفی مانند وجوب، حرمت، استحباب و کراهت قرار گیرد و به همین سبب مفسران و فقها هر جا که در ظاهر آیات و روایات، حکم شرعی را متعلق به عین خارجی ببینند، فعلی از افعال را مقدر می‌گیرند.^۱

در این روایت باید کلماتی چون ایجاد، حفظ، بیع و شراء را مقدر بگیریم و چون همه این احتمالات مورد ابتلا هستند و بر یکدیگر ترجیح ندارند و قرینه‌ای بر تعیین هم نداریم. بنابراین، روایت مجمل می‌شود و می‌توان گفت که ظاهر حدیث، سؤال درباره نگهداری و استفاده از تماثیل است نه ایجاد آنها. هم‌چنین در روایات معتبری به نگهداری و استفاده تصریح شده است. به عنوان نمونه، روایت علی بن جعفر (د. ۲۲۰ ه. ق) که از پدرش درباره تماثیل پرسید و آن حضرت در پاسخ فرمودند:

سزاوار نیست که با آنها بازی شود.^۲

برخی فقها گفته‌اند که با توجه به این که ساختن، نگهداری، استفاده و خرید و فروش مجسمه، امری رایج بوده است، احتمال می‌رود هر کدام از این موارد، منظور پرسش کننده بوده باشد و چون امام علیه السلام جوابی تفصیلی نداده است، پس لازم است روایت را مطلق بدانیم و نمی‌توان آن را مجمل و جواب امام علیه السلام را غیر رافع شبهه بدانیم.^۳

در جواب باید گفت که با توجه به روایات معتبری که بر جواز حفظ و استفاده از مجسمه دلالت دارند، نمی‌توان این روایت را دلیل بر حرمت جمیع احتمالات بالا دانست. بنابراین، ناچار هستیم یا آن را حمل بر کراهت نماییم یا مجمل بدانیم و شاید امر به تأمل در پایان عبارت ایشان، اشاره به این پاسخ باشد.

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۳.

۳. منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۸۵.

روایات گروه سوم: این روایات بر ناپسندی نگهداری مجسمه در خانه و تزیین آن به وسیله تصاویر دلالت دارند. به عنوان نمونه، ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل آمد و گفت: یا محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و از تزویق خانه‌ها نهی می‌کند. ابوبصیر گوید: پرسیدم تزویق خانه چیست؟ امام علیه السلام فرمود: تصویر تمثال‌ها.^۱

این روایت دو سند دارد که در یکی از آنها، قاسم بن محمد جوهری (د. ۳۸۱ ه.ق) و ابوالحسن علی بن حمزه بطائنی (د. ۲۰۰ ه.ق) قرار دارند که هر دو واقفی هستند و در دیگری، برقی با سندی که موثق است، نقل می‌کند.^۲ بنابراین، باید به ارزیابی دلالت آن پردازیم.

در این خصوص باید گفت که در این روایت بین مجسمه و نقاشی و بین ذی‌روح و غیر ذی‌روح تفصیل داده نمی‌شود. در حالی که کسی قائل به حرمت مجسمه و نقاشی غیر ذی‌روح نشده است. بنابراین، روایت از این جهت مجمل است. از این گذشته، نهی از تزیین خانه با تصاویر، مستلزم نهی از ایجاد آن نیست، چون ممکن است نهی از تزیین به سبب جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی و نیازدگی باشد.

درباره دلالت این حدیث باید گفت که در این روایت اسناد کراهت به امام علی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نمی‌توان به معنای حرمت دانست، چون این لفظ هم درباره حرام و هم درباره مکروه شرعی به کار می‌رود و معنای اصطلاحی آن که در روایات بیشتر به کار رفته است در مقابل مستحب است. بنابراین، بدون قرینه معینه نمی‌توانیم آن را بر حرمت حمل کنیم. بلکه می‌توان گفت که در این جا قرینه برخلاف داریم؛ زیرا حتی قائلان به

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۶۰.

۲. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۴.

حرمت مجسمه سازی، حفظ آن را حرام نمی دانستند و روایاتی هم درباره بر جواز ابقا وارد شده است.

روایات گروه چهارم: روایاتی هستند که دلالت بر مأمور شدن امام علی علیه السلام به از بین بردن مجسمه، سگ و قبور بلند دارند. به عنوان نمونه، سکونی از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که پیامبر مرا به مدینه فرستاد و فرمود: صورت ها را

محو کن و قبرها را هم سطح کن و سگ ها را بکش.^۱

کیفیت استدلال به این روایت، چنین است که حرمت ابقا مستلزم حرمت ایجاد است. هر چند عکس این مطلب صادق نیست؛ چرا که ممکن است ایجاد شیء، مفسده داشته باشد ولی ابقای آن، خالی از مفسده باشد. به عنوان مثال، تولید مثل از طریق نامشروع دارای مفسده است. بنابراین حرام است ولی پس از به دنیا آمدن فرزند نامشروع، از بین بردن آن جایز نیست. حال اگر ابقای چیزی دارای مفسده و حرام باشد، مستلزم حرمت ایجاد هست. مثل حرمت ابقا و ایجاد کتاب های ضلال، آلات لهو و قمار و مجسمه های بت پرستی.

در پاسخ باید گفت که این روایت از حیث سند ضعیف است، چون در وثاقت حسین بن یزید بن محمد بن عبد الملک النوفلی (د. ۲۰۳ ه. ق) و اسماعیل بن ابی زیاد سکونی (د. ۲۰۰ ه. ق) اختلاف است.

بدون توجه به ضعف سندی، دلالت این روایت بر اثبات حرمت مجسمه سازی نیز ناتمام است. در حدیث سکونی سه کلمه صورت، قبر و کلب مطلق بیان شده اند. این هر سه نکره در سیاق نهی هستند و عموم را می رسانند. در صورتی که ساختن مجسمه و

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۲.

نقاشی غیر ذی‌روح در آرای همه جایز است. هم‌چنین از بین بردن قبرها و کشتن سگ به طور مطلق مراد حضرت نیست؛ زیرا در برخی موارد، این کارها حرام است. بعید نیست که مقصود از کلب در روایت، حیوان معروف نیست بلکه واژه کلب به کسر لام مقصود است و آن بیماری شبیه دیوانگی است که سگ به آن مبتلا می‌گردد و به واسطه گاز گرفتگی به انسان منتقل می‌شود.^۱ شاید از آن جهت پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمان خرابی قبرها را داد که مردم همان کرنشی که در برابر بت‌ها داشتند، به همان گونه نسبت به گورها احترام و تعظیم می‌نمودند تا جایی که بر آن سجده می‌کردند. چنان که برخی از روایات که از قبله و مسجد قراردادن قبر پیامبر ﷺ نهی می‌کند به این امر اشاره دارند. به عنوان مثال، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ه.ق) در این باره روایت می‌کند:

پیامبر ﷺ فرمود: مساجد و قبر مرا قبله و جای سجده قرار ندهید؛ زیرا خداوند متعال، ملت یهود را به خاطر محل سجده قراردادن قبور پیامبران خود، لعن و نفرین کرده است.^۲

بنابراین نتیجه می‌گیریم که مراد از قبور، قبرهای خاصی بوده است که به وسیله مشرکان، یهود و نصارا عبادت می‌شدند و مراد از سگ، غیر از برداشت اول، شاید سگ‌های ولگرد و هار بوده است که سبب اذیت و سلب امنیت مردم می‌شده‌اند. اگر چنین باشد، وحدت سیاق اقتضا می‌کند که مراد از تصویر، مجسمه و نقاشی‌هایی بوده است که عبادت می‌شدند. چنان که مرحوم ایروانی (۱۳۰۱ - ۱۳۵۴ ه.ق) این احتمال را می‌دهد.^۳

۱. قال امیر المؤمنین علیه السلام: بعثنی رسول الله ﷺ الی المدینه فقال: لاتدع صورہ الا محوتها و لاقبرا الا سویتہ و لاکلبا الا قتلتہ (فیض کاشانی، الوافی، ج ۶، ص ۲۰۲).

۲. لاتتخذوا قبری قبله و لا مسجدا، فان الله - عزوجل - لعن اليهود حیث اتخذوا قبور انبیائهم مساجد (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸).

۳. ایروانی، حاشیه مکاسب، ص ۲۲.

روایات گروه پنجم: روایاتی هستند که بر خروج مجسمه سازان از اسلام و استحقاق شدیدترین عذاب اخروی دلالت دارند. به عنوان نمونه، اصبع بن نباته (د. ۵۵ ه.ق) از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره روایت می کند:

هرکس قبری را تجدید کند یا مجسمه ای بسازد از اسلام بیرون رفته است.^۱

ابن سنان (د. ۴۶۶ ه.ق) که در سند حدیث واقع شده است اگر محمد بن سنان باشد، شخصی است که علمای رجال درباره توثیق و تضعیفش اختلاف دارند، ولی اگر عبدالله بن سنان باشد، موثق است.^۲ ابوالجارود (۱۵۰ - ۱۶۰ ه.ق) هم که در سلسله سند قرار دارد زیاد بن منذر، شخصی نابینا است که زیدی مذهب بود و همه او را تضعیف نموده اند. ابن ندیم (د. اوایل سده پنجم قمری) نقل می کند که امام صادق علیه السلام او را لعن فرمودند و گفتند:

او کور دل و نابینا است.^۳

بنابراین، روایت بالا از دیدگاه ابن ندیم، ضعیف و غیرقابل اعتماد است.^۴ علاوه بر این اختلاف، علما درباره تعیین معنا و مراد از تمثیل مثال که در روایت آمده است و در این مقاله، آن را به مجسمه سازی ترجمه کردیم، با یکدیگر اختلاف دارند. مجلسی (د. ۱۱۱۰ ه.ق) در این باره می گوید:

مراد این است که هرکس بدعتی را بنا گذارد و مردم را به آن بخواند یا

دینی جعل کند از اسلام خارج شده است.^۵

۱. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۴۸.

۳. قال دخلت علی ابی جعفر الثانی علیه السلام فقال لی یا محمد کیف انت اذا لعنتک و برئت منك و جعلتک محنه للعالمین (کشی، رجال الکشی، ص ۵۴۰).

۴. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۶، ص ۵۲۷.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۷.

ایشان سپس به عنوان مؤید، حدیثی را از معانی الاخبار صدوق(ره) (د. ۵۳۸۱.ق) نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مراد من از این گفته‌ام که من مثل مثلاً، کسی است که دینی غیر از دین الهی معین کند و مردم را به آن دعوت نماید.^۱

صاحب جواهر(د. ۱۲۶۶.ق) احتمال می‌دهد که مراد از قبر و مثال در این روایت نه مطلق قبر و مثال، بلکه همان قبور و صوری باشد که علی علیه السلام از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به تخریب و نابودساختن آنها شده بود. علت این تأویل‌ها تناسب حکم و موضوع است؛ چرا که امکان ندارد صرف تجدید بنای قبر، مانند پشت ماهی درست کردن آن یا شکافتن آن، نقاشی و مجسمه‌سازی بدون قصد مخالفت با خداوند، موجب خروج از اسلام شود.^۲

۳. بررسی تخریب آثار تاریخی و فرهنگی ملی از منظر حقوقی

۳-۱. طرح مسئله در بعد حقوقی

در نگاه اول به ذهن می‌رسد که جرایم ارتكابی در قلمرو میراث فرهنگی، فقط جرایم علیه اموال را شامل می‌شود ولی از آن‌جا که این آثار بخشی از میراث فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند و آثاری هستند که متعلق به تمامی افراد یک جامعه در دهه‌های گذشته، حال و آینده هستند، جرایم ارتكابی علیه آنها از جرایم علیه آسایش عمومی^۳ محسوب می‌شوند. تخریب، حفاری‌های غیر مجاز، تغییر کاربری، مرمت‌های بدون مجوز قانونی در تزیینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء، لوازم، خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن

۱. همان، ص ۱۸.

۲. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۳۳۸.

۳. جرایم علیه آسایش عمومی، اعمال مجرمانه‌ای است که ارتکاب آنها باعث برهم خوردن آرامش و آسایش یک جامعه می‌شود و بر خلاف مصالح عمومی آن است (ساریخانی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ص ۳۴).

تاریخی این آثار سبب تزلزل بنیان‌های فرهنگی جامعه می‌شود و باعث کم رنگ شدن یا بی اعتباری سطح فرهنگی یک جامعه در سطح بین المللی می‌گردد. این آثار که گنجینه علم، تجربه و کتابت تاریخی یک کشور هستند، اهمیت فراوانی در تعیین سطح تاریخی و فرهنگی جامعه دارند و قانون‌گذار برای مرتکبان جرایم نسبت به این آثار مجازات در نظر گرفته است.^۱

این آثار که جنبه مادی و جنبه معنوی دارند برای استفاده نسل حاضر از آنها و انتقال به آیندگان باید تحت مراقبت‌های لازم قرار گیرند. در این راستا، قانون‌گذار باید با کسانی که به انجام جرایم مربوط به حوزه به فعالیت‌های غیرقانونی مشغول هستند، برخوردی جدی و قانونی بنماید.

۲-۳. مفهوم تخریب در حقوق

در اصطلاح حقوقی، تعاریف متعددی برای واژه تخریب ارائه شده است که آن را معادل از بین بردن مال می‌دانند، مانند وارد ساختن عمدی آسیب بر تمامیت فیزیکی شیء یا مال دیگری^۲، نابود کردن یا خسارت وارد آوردن عمدی به مال متعلق به غیر^۳. تمام این تعاریف نمی‌توانند تعریف جامع و مانعی باشند؛ زیرا در تخریب، تباه شدن و از بین بردن خواه جزئی، خواه کلی ضروری است و تباه کردن اموال شامل تلف کردن و از بین بردن مال منقول یا غیرمنقول است. با این همه قانون‌گذار نسبت به تعریف جرم تخریب، اقدام نمی‌نماید و تنها به بیان مصادیقی از تخریب با عناوین تخریب و تحریق اکتفا می‌کند. بنابراین با توجه به

۱. مواد ۵۵۸ الی ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

۲. گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۵۴۲.

۳. میر محمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، ص ۱۷۹؛ حبیب زاده،

حقوق جزای اختصاصی، (جرایم علیه اموال و مالکیت)، ص ۸۲.

مندرجات احکام ناظر به تخریب و حرق اموال و تمسک به روش قضایی، می‌توان گفت که تخریب عبارت است از لطمه زدن عمدی جزیی یا کلی به مال متعلق به غیر. به دلیل آن که آثار تاریخی و فرهنگی، بخشی از میراث فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند، جرایم ارتكابی علیه آنها در زمره جرایم علیه آسایش عمومی قرار می‌گیرند. بنابراین در جرایم ارتكابی علیه میراث فرهنگی، تأمین آسایش عمومی بر حمایت از حقوق مالکانه اشخاص برتری دارد.^۱ بنابراین، شخص نمی‌تواند ملک خود را که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، تخریب نماید و به حقوق مالکانه خود استناد کند، چون با ثبت در فهرست آثار ملی، جنبه عمومی جرم بر جنبه خصوصی آن برتری می‌یابد. بنابراین، در صورتی که مالک اثر تاریخی یا فرهنگی دست به تخریب آن بزند، مرتکب جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی شده است. با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت که تخریب آثار تاریخی و فرهنگی عبارت است از لطمه زدن عمدی، جزیی یا کلی به این آثار، خواه متعلق به خود یا دیگری باشد یا نباشد.

۳-۳. عناصر جرم تخریب آثار فرهنگی و تاریخی

۳-۳-۱. عنصر قانونی

در حال حاضر، ماده قابل اعمال در زمینه تخریب اموال تاریخی و فرهنگی، ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ است. این ماده مقرر می‌کند:

هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی-تاریخی یا مذهبی باشد خرابی وارد

۱. ماده ۵۶۹ ق.م.ا. در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب، ملک شخصی بوده باشد و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی اطلاع باشد از مجازات‌های مقرر در مواد بالا معاف خواهد بود.

آورد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم

می‌شود.^۱

۳-۲-۳. عنصر مادی

عنصر مادی جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی بیان شده در ماده ۵۵۸ ق.م.ا، مصوب سال ۱۳۷۵ را اقدامات عملی مرتکب یا مرتکبان که باعث لطمه زدن به این آثار می‌شود، تشکیل می‌دهد و دارای اجزای ذیل است.

الف. فعل مرتکب

فعل مرتکب عبارت است از فعل مثبت مادی به صورت ارتکاب عملی که نتیجه آن ورود خسارت و خرابی به شیء تاریخی و فرهنگی باشد. بنابراین، ترک فعل^۲ نمی‌تواند عنصر تشکیل دهنده جرم باشد.

۱. ماده ۵۵۸ ق.م.ا.

۲. روشن است که این اقدامات نمی‌تواند از طریق ترک فعل واقع شود، مانند آن که کسی در نگهداری از اثر تاریخی دقت نکند و آفتاب و باران موجب از بین رفتن اثر تاریخی گردد. ترک فعل مانند آن است که کسی که مکلف به نگهداری این اموال بوده است و به اصطلاح متولی یا محافظ اموال مورد نظر بوده است و از وظایف او این بوده است که به هنگام بارش باران و برف یک سلسله اقداماتی را انجام دهد ولی وی به عمد از انجام آن خودداری کرده باشد. در چنین صورتی، مرتکب جرم محسوب خواهد شد و قابل تعقیب خواهد بود. در این جا جرم به سبب ترک فعل به وقوع پیوسته است و آن جرم تخریب این آثار است که قانون‌گذار برای آن در قانون، مجازات تعیین کرده است. جرم تخریب، جرمی است که با فعل مثبت واقع می‌شود و درحقیقت فعل ناشی از ترک فعل، مورد مجازات قانون‌گذار قرار می‌گیرد که به نوعی شاید بتوان آن را تسبیب و یک عمل غیرمستقیم در جهت تخریب این آثار به وسیله اشخاص حقیقی یا حقوقی نام برد. بنابراین، عمل مرتکب ممکن است مستقیم و با مباشرت باشد و یا غیر مستقیم و با تسبیب باشد. بدیهی است که جهت اطلاق ماده ۵۵۸ ق.م.ا، وارد نمودن خرابی جزئی و کلی به این اماکن جرم شناخته می‌شود. مقید شدن به این که ماده ۵۵۸، ناظر به عمل مستقیم فرد است، فاقد وجهت قانونی و برخلاف تفسیر منطقی از قوانین جزایی است؛ زیرا فرض بر این است که قانون‌گذار حکیم است و اطلاق عبارت وی شامل مستقیم و غیرمستقیم می‌شود.

هم‌چنین فعل مجرمانه، رفتار لازم برای تحقق این جرم، فعل مثبت مادی است و با ترک فعل صورت نمی‌گیرد. این فعل ممکن است مستقیم و با مباشرت باشد یا به‌صورت غیر مستقیم و با تسبیب^۱.

به صورت مستقیم و با مباشرت، مانند آن‌که فرد اثری تاریخی را تخریب می‌کند و یا کتیبه منصوب در یک دیوار باستانی را می‌شکند یا مکانی تاریخی را به آتش می‌کشد. به صورت غیر مستقیم و با تسبیب، مانند آن‌که فردی جریان آبی را به سمت اثری باستانی منحرف کند و در نتیجه این اقدام، اثر تاریخی تخریب گردد.

عده‌ای عقیده دارند که ماده ۵۵۸ ق.م.ا. ناظر به عمل مباشرت و ماده ۵۶۰ ق.م.ا. ناظر به عمل تسبیب مرتکب است.^۲ این تفسیر از قانون بر خلاف نظر مقنن جمهوری اسلامی ایران است؛ زیرا تفسیر موسع از نص قانون است که در تفاسیر قانونی باید به تفسیر مضیق از ماده قانونی قائل بود.

به این ترتیب، شخص باید با انجام دادن افعالی، باعث وارد آمدن آسیب به تمام یا قسمتی از اموال موجود در ماده ۵۵۸ ق.م.ا. شود. هم‌چنین، جرم تخریب میراث فرهنگی از جرایمی است که منتهی به نتیجه است. به این معنا که در اثر کاری که شخص انجام می‌دهد، باید به تمام یا قسمتی از آثار تاریخی و فرهنگی خرابی وارد شود.

مشخص است به جهت اطلاق ماده ۵۵۹ ق.م.ا. به وارد نمودن خرابی به اماکن تاریخی به صورت جزئی یا کلی، جرم شناخته می‌شود. مقید شدن به این‌که ماده ۵۵۹

۱. حبیب زاده، حقوق جزای اختصاصی، (جرایم علیه اموال و مالکیت)، ص ۸۲.

۲. هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

۳. شامبیاتی، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال)، ص ۲۹۲.

ناظر به عمل مستقیم فرد است. فاقد وجاهت قانونی و برخلاف تفسیر منطقی از قوانین جزایی است؛ زیرا فرض بر این است که قانون‌گذار حکیم است و عبارت وی شامل مستقیم و غیرمستقیم می‌شود.

۳-۲-۱. موضوع جرم تخریب آثار فرهنگی و تاریخی

به طور خلاصه می‌توان گفت که موضوع جرم عبارت است از شیء تاریخی و فرهنگی یا مذهبی، شامل منقول و غیر منقول و درباره غیر منقول شرط است که به ثبت فهرست آثار ملی رسیده باشد و درباره منقول شرط است که در اماکن ثبت شده در فهرست آثار ملی، موجود یا منصوب باشد.^۱

بیان این نکته ضروری است که مطابق قانون مدنی هرچه موجود و یا منصوب باشد و چیزی از بنا محسوب شود، بر اساس ماده ۱۳ قانون مدنی، غیر منقول است. بنا بر مراتب بالا لازم است:

اول. عمل وارد کردن خرابی نسبت به یکی از اماکن به ثبت رسیده در فهرست آثار ملی شامل ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های تاریخی و فرهنگی باشد و یا نسبت به یکی از منصوبات یا آنچه در اماکن بالا وجود دارد شامل تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا، لوازم، خطوط و نقوش باشد.

دوم. لازم نیست که تزئینات، ملحقات، اشیا و لوازم موجود و منصوب در اماکن تاریخی و فرهنگی به ثبت در فهرست آثار ملی رسیده باشد. همین قدر کافی است که این موارد به صورت مستقل واجد حیثیت تاریخی و فرهنگی باشد. بنابراین، هرگاه کسی نسبت به یک شیء تاریخی و فرهنگی که موجود یا منصوب در اماکن است ولی به ثبت در فهرست آثار ملی نرسیده است خرابی وارد کند مشمول این ماده است؛ زیرا برای تحقق این ماده درباره اشیا دو شرط لازم است:

۱. ر.ک: مواد ۵۵۸، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹ ق.م.ا.

۱. لزوم ثبت اثر در فهرست آثار ملی

یکی از شرایط دیگر برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۵۸ ق.م.ا آن است که موضوع جرم؛ یعنی اموال تاریخی و فرهنگی غیر منقول به ثبت در فهرست آثار ملی رسیده باشد و فهرست آن به اطلاع عموم رسیده باشد (ماده ۲ قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹) و گرنه عمل مرتکب، مشمول این ماده نخواهد شد و ملک تخریب شده هر اندازه که سابقه و قدمت تاریخی داشته باشد در ردیف اموال عادی قرار می‌گیرد.

۲. لزوم احراز رابطه علیت

در جرایم مقید یکی از اجزای رکن مادی، رابطه علیت است به معنای این که تحقق جرم مربوط به داشتن علتی از طرف فاعل آن جرم است. تحقق جرم تخریب با حصول نتیجه مجرمانه صورت می‌گیرد و نتیجه از عمل هرکسی به دست آمده باشد، وی به عنوان مرتکب جرم معرفی می‌گردد.

هم‌چنین، موضوع جرم در ماده ۵۵۸ ق.م.ا، اموال غیر منقول تاریخی و فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی و یا اشیای منقول موجود و یا منصوب در این اماکن است که به طور مستقل واجد حیثیت تاریخی و فرهنگی هستند.

۳-۲-۲. نوع جرم تخریب آثار فرهنگی و تاریخی

باتوجه به این که جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی، جرم مقید است. تحقق نتیجه مجرمانه مقید به تحقق نتیجه است و نتیجه از عمل هرکسی به دست آمده باشد، وی به عنوان مرتکب جرم تلقی می‌گردد. بنابراین، لازم است که ضرری وارد شود و بدون ورود خسارت و خرابی، جرم واقع نمی‌گردد و منظور از ضرر، ضرر مادی است. بنابراین در صورت وارد شدن خرابی یا لطمه و یا تزلزل بنیان این آثار، جرم واقع شده است.

هم‌چنین منظور از لطمه، لطمات فیزیکی و عادی است نه این‌که آسیبی معنوی به اثر تاریخی وارد آید. برای مثال، با احداث یک ساختمان عظیم و زیبا در کنار یک ساختمان و بنای تاریخی که ابهت اثر تاریخی را بکاهد، جرم واقع نمی‌شود.^۱

۳-۳-۳. عنصر روانی

به اعتقاد بیشتر حقوق‌دانان، وجود عاملی خارجی که قانون آن را منع می‌کند، برای احراز جرم و مسئولیت مرتکب کافی نیست. بلکه باید عنصر روانی یا سوء نیت مجرم تحقق پیدا کند که عبارت است از این‌که مجرم به عمد یا در نتیجه بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی مرتکب عملی شود که براساس قانون، ممنوع است یا از انجام عملی امتناع کند که قانون، او را به انجام آن، مکلف ساخته است.

بنابراین، برای آن‌که عنصر روانی تحقق پیدا کند باید مجرم قانونی را که خلاف آن رفتار می‌کند، بداند و عمل مجرمانه را با آزادی اراده و بدون تحمیل یک عنصر خارجی انجام دهد.^۲

۳-۴. مجازات

جامعه در مقابل جرایم، به وسیله مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی، واکنش نشان می‌دهد. مجازات اصلی جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی مطابق ماده ۵۵۸ ق.م.ا، حبس از یک الی ده سال و جبران خسارت وارده است. قانون‌گذار در این ماده، مرتکب را به جبران خسارت محکوم می‌کند.^۳

۱. میر محمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، ص ۲۱۲.

۲. گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۳۴۱.

۳. معتمد، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۷۲.

۴. هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات تأسیسات، اشیاء و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلاً واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود.

این جبران خسارت، حقوقی است و نمی‌توان آن را به عنوان مجازات^۱ تلقی نمود. حتی اگر جبران خسارت در ماده بالا، بیان نشده بود باز هم مطابق قواعد اتلاف، تسبیب و مسئولیت مدنی، مرتکب مکلف به جبران خسارت می‌شد. هم‌چنین، ماده ۱۰ ق.م.ا در این موارد تکلیف را روشن کرده است.^۲

۱. مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد، چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند؛ یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند؛ یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود، نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانون‌گذار بیان کرده است که چه امری بد و خلاف است، تنبیهی هم بیان کرده است که به آن تنبیه مجازات می‌گویند (باهری، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ص ۴۷۷).

۲. در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد. لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف. اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجرا نمی‌شود و اگر در جریان اجرا باشد، اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و هم‌چنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده است هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب. اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجرا می‌شود، جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی می‌تواند تخفیف اقدام

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌هایی که در مبحث مجسمه‌سازی و کشیدن نقاشی صورت گرفت، اگر مجسمه و نقاشی سبب رواج شرک، بت پرستی و انحراف عقاید در بین عموم مردم گردد، براساس روایات و آرای فقهی باید از بین بروند. در غیر این صورت، مجاز به از بین بردن آنها نیستیم. چه مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی که از گذشته به یادگار مانده است و چه مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی که در زمان حاضر و آینده ساخته می‌شوند.

در نتیجه، آثار تاریخی و فرهنگی ملی مانند مجسمه‌ها و نقاشی‌ها با توجه به این که از زمان گذشته به یادگار مانده اند، دارای ارزش مادی و معنوی فراوانی هستند، در علم باستان شناسی و تاریخ شناسی مورد نیاز پژوهش‌گران و محققان هستند و براساس فتاوی فقیهانی که عنصر زمان و مکان و تناسب حکم با موضوع را در عدم حرمت نگهداری از این اشیای تاریخی و فرهنگی دخیل می‌دانند، باید از تخریب این اشیای ارزشمند جلوگیری نمود؛ زیرا بر فرض این که این اشیای در زمان خود بر اساس عقاید شرک آمیز و بت پرستی ساخته شده باشند، در زمان ما دیگر سبب رواج عقاید شرک آمیز و بت پرستی نخواهند شد و خروج موضوعی دارند.

با این حال، اگر وسیله رواج شرک و بت پرستی در بین عامه مردم شوند، می‌توان مانند احکام کتاب‌های ضاله با آنها برخورد کرد و آنها را تنها در اختیار اهل فن و متخصصان این امور قرار داد.

در نتیجه، اگر مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی را که از زمان‌های گذشته به یادگار مانده است، صغرای قضیه در نظر بگیریم و هر چیزی را که منجر به شرک، بت پرستی و

تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره. مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی‌شود.

انحراف عقیدتی در بین مردم نگردد، حق تخریب آن را نداشته باشیم، کبرای قضیه در نظر بگیریم، نتیجه می‌گیریم که حق تخریب و نابودی مجسمه‌ها و نقاشی‌هایی را نداریم که خروج موضوعی از بحث ایجاد شرک، بت پرستی و انحراف عقیدتی در بین مردم دارند و از آثار تاریخی و باستانی با ارزش و گران‌بهای سرزمین ما به حساب می‌آیند.

در مواد ۵۵۸ تا ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات تخریب‌کنندگان این آثار اشاره شده است و براساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، تخریب‌کنندگان عمدی این آثار به مجازات یک تا ده سال حبس تعزیری محکوم خواهند شد. این مجازات‌ها تعزیری هستند و بنابر امضای ولی فقیه مشروعیت یافته‌اند.



منابع

۱. قرآن.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۵.
۳. انصاری، مرتضی، *مکاسب محرمة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۲.
۴. ایروانی، علی، *حاشیه مکاسب*، قم: مؤسسه اهل البيت، ۱۳۷۹ ه.ق.
۵. باهری، محمد، *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: مجد، ۱۳۸۴.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تهران: بی تا، ۱۳۷۱ ه.ق.
۷. بیقهی، احمد بن علی، *السنن الکبری*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ه.ق.
۸. حبیب زاده، محمد جعفر، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)*، تهران: چاپ چهارم، سمت، ۱۳۸۲.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تهران: ناس، ۱۳۶۴.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، *مبادئ الوصول الى علم الاصول*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۱. خلیل بن احمد، آل عصفور، *العین*، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۴۵.
۱۳. _____، *مصباح الفقاهة*، قم: انصاریان، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۴. ساریخانی، عادل، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۴.
۱۵. شامبایاتی، هوشنگ، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال)*، تهران: فکر سازان، ۱۳۸۵.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۷. طباطبایی، سید محمود، *حمایت کیفری از آثار تاریخی فرهنگی در حقوق ایران*، استاد راهنما دکتر سید محمود مجیدی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ ششم، بیروت: صیدا، ۱۳۳۳ ه.ق.
۱۹. _____، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، قم: بیان جوان، ۱۳۹۰.
۲۰. طریحی، فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۲۱. طنطاوی، *تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، ۱۳ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۲۲. طوسی، جعفر محمد بن الحسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قیصر عاملی، ۱۰ جلد، چاپ دهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ه.ق.

۲۳. _____، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ ه.ق.
۲۴. عاملی، حر، *وسائل الشیعه*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۵. عزیزی، حسین، «مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی»، *پژوهش های تاریخی*، تابستان ۱۳۹۶، دوره ۹، ش ۲.
۲۶. فتاحی، سیدمحسن، *میراث فرهنگی: بررسی فقهی - حقوقی*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، *الوافی*، اصفهان: مکتبه الامام علی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۹. قرشی، علی اکبر، *احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۳۰. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۳۱. گلدوزیان، ایرج، *بایسته های حقوق جزای عمومی*، چاپ دوازدهم، تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۳۱ ه.ق.
۳۳. _____، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۳۴. محقق اردبیلی، احمد، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.
۳۵. محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، بیروت: مؤسسه آل بیت، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۶. مسلم بن حجاج، ابوالحسین، *صحیح مسلم بشرح نووی*، چاپ دوم، قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸.
۳۷. معتمد، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۰.
۳۸. مغنیه، محمد جواد، *فلسفات اسلامیة*، بیروت: دارالمکتبه، ۱۹۹۳ م.
۳۹. منتظری، حسینعلی، *دراسات فی المکاسب المحرمه*، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۰. میر محمد صادقی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)*، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
۴۱. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.